



نشریه علمی تمدن اسلامی و دین پژوهی

سال دوم / شماره ششم / زمستان ۱۳۹۹



بررسی نقش حوزه علمیه در ساخت بعد معرفتی تمدن اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

علیرضا استادیان خانی^۱ / عیسی مولوی وردنجانی^۲

(۹۱-۱۰۹)

چکیده

اینکه تمدن نوین اسلامی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای چگونه است و معرفت و علم و دانش چه جایگاهی در آن دارد، سؤالات مهمی است که این مقاله درصدد است به آن پاسخ دهد. حوزه‌های علمیه به‌عنوان منبع تولید نرم‌افزار یا همان بعد معرفتی تمدن اسلامی برای ایفای نقش خود باید دارای شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی باشند که این مقاله به آن خواهد پرداخت. این پژوهش مفهوم دانش توأم با معنویت را هسته اصلی اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای توصیف کرده و مبتنی بر این مهم، حوزه علمیه را به‌عنوان خاستگاه تولید معرفت، برای نقش‌آفرینی تمدنی مستلزم تحول درونی خویش می‌داند. این پژوهش با شیوه کتابخانه‌ای و با تکیه بر آراء آیت‌الله خامنه‌ای تنظیم شده است. این مقاله به روش توصیفی و تبیینی به بررسی حوزه علمیه تمدن ساز خواهد پرداخت و اینکه حوزه علمیه برای ساخت بعد معرفتی تمدن اسلامی باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد.

واژگان کلیدی: تمدن نوین اسلامی، حوزه علمیه، آینده تمدن اسلامی، روحانیت

۱. دانشجوی دکتری انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی (نویسنده مسئول) Ostad1363@gmail.com

۲. دانش‌آموخته دکتری انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی molavi131@gmail.com

طرح مسأله

امروز حوزه علمیه به عنوان نهادی که متکفل پرورش و تربیت فقیهان و اسلام‌شناسانی اصیل است شناخته شده و این نهاد علمی و مذهبی کهن در تلاش است تا با تکیه بر باب مفتوح اجتهاد، مسائل نوپدید را حل کرده و در جهت نظریه پردازی و ارائه نظریات دینی در عرصه‌ها و شئون مختلف زندگی بشری حرکت کند. حوزه‌های علمیه و چگونگی کنش علمی و فرهنگی آن نقش بی‌بدیلی در ساخت تمدن اسلامی دارد به گونه‌ای که اگر حوزه‌های علمیه نقش واقعی خود را ایفاء کنند، سایر ساختارها و اجزاء نظام اسلامی نیز می‌تواند دقیق‌تر عمل کند. رسیدن به کمال و فتح قله‌های موفقیت و ایجاد تمدن نوین اسلامی بدون توجه به مبانی نظری و ساختن مبانی علمی و در انداختن فلسفه امکان‌پذیر نخواهد بود و چه بسا خرده رفتارهایی متعدد و متکثری که چون در یک پازل گفتمانی تعریف نشده است ما را به عقب رانده و از مسیر دور کند. در نگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، امروز حوزه‌های علمیه وظیفه‌دارند تا با نگاه به آینده، نقشه راه تکامل انقلاب به مرحله تمدن اسلامی را تسهیل کنند و از این مسیر با نظریه پردازی و راه انداختن کرسی‌های نظریه پردازی به رشد شتابان علمی سرعت ببخشند. نهاد حوزه علمیه باید تولید "فکر" کند؛ تولید اندیشه است که انسان را به سوی تمدن می‌کشاند، هیچ فردی و تمدنی را نمی‌توان بدون پشتوانه فکری و اندیشه‌ای در پیشبرد اهدافش در نظر گرفت.

امروز حوزه‌های علمیه با سؤالات و پرسش‌های فراوانی از سوی مقلدان از داخل و خارج کشور و همچنین مسائلی زیادی از قبیل فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی از سوی دستگاه‌های ذی‌ربط در حاکمیت مواجه هستند که بدون شک بدون شناخت دقیق موضوع و مسئله و بدون مطالعات و تحقیقات تخصصی، پاسخگویی به آن‌ها ممکن نخواهد بود. از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حوزه‌های علمیه رسالت سنگین و دشواری بر دوش می‌کشند که همان تأمین نرم‌افزار و خوراک فکری جهت ادامه مسیر انقلاب اسلامی است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای قائل‌اند: نظام مستظهر به حوزه‌های علمیه است، به خاطر این است که نظریه پردازی سیاسی و نظریه پردازی در همه جریان‌های اداره یک ملت و یک کشور در نظام اسلامی به عهده علمای دین است. آن کسانی می‌توانند در باب نظام اقتصادی، در باب مدیریت، در باب مسائل جنگ و صلح، در باب مسائل تربیتی و مسائل فراوان دیگر نظر اسلام را ارائه بدهند که متخصص دینی باشند و دین را بشناسند. اگر جای این نظریه پردازی پر نشد، اگر علمای دین این کار را نکردند، نظریه‌های

غربی، نظریه‌های غیردینی نظریه‌های مادی جای آن‌ها را پر خواهد کرد. هیچ نظامی، هیچ مجموعه‌ای در خلأ نمی‌تواند مدیریت کند؛ یک نظام مدیریتی دیگری، یک نظام اقتصادی دیگری، یک نظام سیاسی دیگری که ساخته و پرداخته اذهان مادی است، می‌آید جایگزین می‌شود؛ همچنان که در آن مواردی که این خلأها محسوس شد و وجود داشت این اتفاق افتاد. اینکه بنده درباره علوم انسانی در دانشگاه‌ها و خطر این دانش‌های ذاتاً مسموم هشدار دادم - هم به دانشگاه‌ها، هم به مسئولان - به خاطر همین است. این علوم انسانی‌ای که امروز رایج است، محتواهایی دارد که ماهیتاً معارض و مخالف با حرکت اسلامی و نظام اسلامی است؛ متکی بر جهان بینی دیگری است حرف دیگری دارد، هدف دیگری دارد. وقتی این‌ها رایج شد، مدیران بر اساس آن‌ها تربیت می‌شوند؛ همین مدیران می‌آیند در رأس دانشگاه، در رأس اقتصاد کشور، در رأس مسائل سیاسی داخلی، خارجی، امنیت، غیره و غیره قرار می‌گیرند. حوزه‌های علمیه و علمای دین پشتوانه‌هایی هستند که موظف‌اند نظریات اسلامی را در این زمینه از متون الهی بیرون بکشند، مشخص کنند، آن‌ها را در اختیار بگذارند، برای برنامه‌ریزی، برای زمینه‌سازی‌های گوناگون. پس نظام اسلامی پشتوانه‌اش علمای دین و علمای صاحب‌نظر و نظریات اسلامی است؛ لذا نظام موظف به حمایت از حوزه‌های علمیه است، چون تکیه‌گاه اوست. (خامنه‌ای، ۱۳۸۹: سخنرانی ۲۹ مهر)

برای اینکه حوزه‌های علمیه بتوانند در مسیر رسیدن به تمدن نوین اسلامی حرکت کنند، باید در مرحله نخست، تمدن نوین اسلامی را ترسیم کنیم و در مرحله دوم شاخصه‌های حوزه علمیه تمدن ساز را به دست آوریم. لازم به ذکر است که حوزه‌های علمیه کارکردهای مختلفی همچون "تبلیغ" "آموزش" و "تربیت" نیز دارد که در این مقاله تنها بعد معرفتی و ساخت بخش نرم‌افزاری تمدن اسلامی توسط حوزه‌های علمیه بررسی خواهد شد.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش‌هایی که درباره تاریخ و تمدن انجام می‌شود، از نوع پژوهش‌های توصیفی - کیفی است. در پژوهش حاضر از روش توصیف داده‌ها و تحلیل تاریخی با استفاده از منابع و روش اسنادی و مراجعه به کتابخانه و اینترنت استفاده شده است. در این پژوهش تلاش شده است تا کمتر از نقل قول مستقیم استفاده شود و مطالب در نظمی علمی و به صورت برداشت نکات اساسی همراه با استناد به منبع اصلی در کلمات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ذکر شده است.

پیشینه تحقیق

در کتاب‌های پژوهشی مانند «تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی» تألیف جان احمدی، «فرهنگ و تمدن اسلامی» تألیف دکتر ولایتی و غیره مطالبی در مورد پیشینه و آثار تمدن اسلامی نوشته شده است؛ همچنین مطالعات نظام‌مندی تاکنون عمدتاً در قالب مقاله پیرامون شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تألیف شده است؛ اما در بررسی تخصصی اهمیت بعد معرفتی در تمدن و چگونگی و بایستگی مرکز تولید معرفت تمدنی کمتر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. از این رو این تحقیق با نگاه به افق تمدنی آینده، بایسته‌های حوزه علمیه تمدن ساز را بررسی می‌کند.

تعریف مفاهیم

۱. **تعریف تمدن:** واژه «تمدن» از لحاظ لغوی معانی مختلفی را در بر می‌گیرد؛ اما اصلی‌ترین معنایی که محققان بر آن اتفاق نظر دارند، شهرنشین شدن و اقامت در شهر (مدنیت) است. پژوهشگران درباره تعیین ریشه لغوی کلمه «مدنیت»، اختلاف نظر دارند؛ برخی آن را به «مدن» به معنای اقامت گزیدن در مکانی، بازمی‌گردانند؛ برخی دیگر آن را به «دان» بازمی‌گردانند که ریشه واژه دین و به معنای خاضع شدن و اطاعت کردن است. (امین، ۱۴۲۵: ۱۱) بر همین پایه، این کلمه معادل واژه «شهر آیینی» و به معنای «حسن معاشرت» است. این واژه از کلمه لاتین «Civilis» که برگرفته از «Civis» یا «Civitas» هست، مشتق شده است؛ (آشوری، ۱۳۸۱: ۳۶) بنابراین، در فرهنگ‌های لغت، زندگی «متمدن» در برابر زندگی بربرهای وحشی که فاقد زندگی شهرنشینی اند، به کار برده می‌شود.

در اصطلاح، تمدن از قرن هجدهم و عصر روشنگری به وجود آمد. هرچند واقعیت آن از گذشته موجود بوده است. در یک معنا فرهنگ با تمدن مترادف انگاشته شده است. طبق این انگاره، تمدن با فرهنگ عبارت است از ترکیب پیچیده‌ای شامل علوم، اعتقادات و هنرها، اخلاق و قوانین، آداب و رسوم و عادات و اعمال دیگری که به وسیله انسان در جامعه به دست می‌آید. (روح‌الامینی،

۱۳۷۹: ۴۸)

نمود جلوه‌های مادی فرهنگ و تجسم آن در شهرنشینی، از دیگر معانی فرض شده برای تمدن است. دیدگاهی دیگر برای تمدن معنایی فراگیر قائل است. بر اساس این دیدگاه علاوه بر جنبه نرم و فرهنگی حیات اجتماعی، مجموعه عناصر اقتصادی، سیاسی، تکنیک‌ها، سازمان‌های اجتماعی و خلاصه

جنبه‌های سخت نیز در گستره تمدن جای می‌گیرند. طبق این نظر تمدن عبارت است از مجموعه‌ای از پدیده‌های اجتماعی که قابل انتقال باشد و جنبه‌های مذهبی، اخلاقی، زیباشناسی، فنی- علمی مشترک در یک جامعه یا چند جامعه مرتبط با یکدیگر را به خود می‌گیرد. (ساروخانی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۹۹)

برخی مجموعه بزرگی از نظامات اجتماعی همچون سیاست، اقتصاد، فرهنگ، حقوق، تربیت و... را که از نظر جغرافیایی واحد کلانی را در یک قلمرو پهناور در برمی‌گیرند به‌عنوان تمدن برشمرده‌اند. (آشوری، ۱۳۸۱: ۱۲۸) علامه جعفری در تعریف تمدن می‌نویسد: عبارت است از نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه که تصادم‌ها و تزاخم‌های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قائم‌مقام آن‌ها بنماید، به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب بروز و به‌فعلیت رسیدن استعدادهای سازنده آن باشد. (جعفری، ۱۳۷۳: ۲۳۳)

به نظر می‌رسد در تعریف تمدن باید قدری عمیق‌تر نگریم و آن را یک پدیده سیستماتیک دانست. تعریف مختار از تمدن در این مقاله به این صورت است که: تمدن سیر و بسط یک نحو تفکر و ظهور آثار تفکر در مناسبات افراد و اقوام در رفتار و کردار و علوم و فنون مردم است؛ و این ظهورها آن‌چنان به‌هم پیوسته‌اند که جزئی را از جزء دیگر نتوان جدا کرد و کل این اجزا هم اصل و ریشه‌ای دارد یا اصل و ریشه‌ای داشته است (کریمی قه‌بی و دیگران، ۱۳۸۶: ۳۸)

هر تمدنی دارای سه لایه از فرهنگ است. فرهنگ بنیادی که شامل ارزش‌ها و باورها و جهت‌گیری‌های کلی است. فرهنگ تخصصی که علوم نظری و عملی متناسب با ارزش‌ها را تولید می‌کند و فرهنگ عمومی که تجلی دولایه قبل در سطح عینیت جامعه است. (رحمت‌آبادی و آقا بخشی، ۱۳۸۵: ۲۰)

۲. تمدن نوین: تمدن نوین اسلامی، نه عین همان تمدن اسلامی است که پایه‌های آن در زمان پیامبر اکرم گذاشته شد و تا زمان کنونی ادامه یافته است و نه تمدنی کاملاً متفاوت با آن است؛ بلکه تمدنی است که ریشه‌های خود را از اسلام و تمدن اسلامی می‌گیرد، اما از ابعاد جدید و نوظهور، متناسب با تغییرات و تحولات جامعه بشری نیز برخوردار است. شاخص‌هایی مانند محوریت قوانین قرآنی، خردورزی، علم، اخلاق، مجاهدت در راه خدا، حکومت مردمی، پرهیز از تحجر، ایجاد رفاه عمومی، استقرار عدالت، دوری از اقتصاد مبتنی بر ربا و تکاثر و همین‌طور ابتکار و خلاقیت، توجه به رسانه‌های

مدرن، هنر، سینما، بهبود روابط بین الملل و صدور احکام فقهی متناسب با نیازهای جدید بشری از ویژگی‌های تمدن نوین اسلامی است. (اکبری و رضایی، ۱۳۹۳: ۳۴)

این تمدن، ضمن پاک شدن از آرایه‌ها و کژی‌هایی که پس از پیامبر اکرم، به‌ویژه از دوران خلفای اموی و عباسی و پس از آن‌ها ایجاد شد، در شرایط جدید و نوظهور توان تطبیق با شرایط نوین و پاسخگویی به تقاضاها و نیازهای مادی و معنوی بشری را دارد. «لایه‌های درونی تمدن نوین اسلامی، بر بنیادهای فکری و اعتقادی اسلام، در عین اهتمام به سازگاری آن با شرایط و مقتضیات زمان و مکان، استوار است.» (دهشیری، ۱۳۹۴: ۹۵)

۳. حوزه‌های علمیه: منظور از حوزه علمیه در این تحقیق عبارت است: نهادها و مؤسساتی که نیروی انسانی فعال، صاحب‌نظران تحصیل‌کرده و رشد یافته در حوزه‌های علمیه و رسالت خود را اقامه دین و اعتلای کلمه توحید مبتنی بر اجتهاد بر پایه قرآن، سنت نبوی (ص) و مکتب اهل‌بیت (ع) قرار داده باشند و بر این مبنا مأموریت و هدفشان در راستای مصوبات شورای عالی حوزه است. (شورای عالی حوزه، ۱۳۹۱: ۳۱)

منظور ما در این تحقیق نهاد حوزه علمیه است نه سازمان حوزه علمیه که نهاد حوزه فقط شامل نظام مدیریتی حوزه نمی‌شود بلکه تمامی کنشگرانی که در حوزه علوم انسانی با روش مألوف حوزه‌های علمیه در نظام تربیتی و درسی آموزش دیده و فعالیت می‌کنند، می‌شود و لذا گستره آن جهانی بوده و میان کنشگران لزوماً رابطه سازمانی با هسته مدیریتی برقرار نیست. طبق این تعریف تمامی گروه‌های علمی و پژوهشگاه‌ها و مراکز علمی اقماری گرداگرد حوزه علمیه و حتی دانشگاه‌هایی و مراکز آموزش عالی که با حضور اساتید و دانشجویان طلبه تشکیل شده است، شامل تعریف حوزه‌های علمیه می‌شوند.

نقش معرفت در ایجاد تمدن

تمدن یک پدیده اجتماعی است که دارای تحولات و دگرگونی‌هایی است و به‌صورت طبیعی در مسیر خود فراز و فرودهایی را تجربه می‌کند. بیان سیر صعودی یا نزولی تمدن در جوامع انسانی مسئله‌ای بوده است که ذهن اندیشمندان علوم انسانی را به خود مشغول ساخته است و تلاش کرده‌اند تا با آگاهی و کشف سنن و قوانین حاکم بر تاریخ و چگونگی حرکت تاریخی جوامع، برای ساختن آینده‌ای بهتر از آن استفاده نمایند.

اینکه تمدن چیست و اسباب بروز یک تمدن جدید یا زوال یک تمدن کهن چیست، مسئله‌ای است که اندیشمندان هرکدام از منظر معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی خود به آن پرداخته‌اند و عللی را برای آن برشمرده‌اند که البته این علل متعدد و متکثر است اما می‌توان گفت در میان علل و اسباب مختلف مادی یا معنوی یا انسانی که در نظریات اندیشمندان مطرح شده است، یک علت اساسی و زیربنایی وجود دارد. به تعبیر دیگر می‌توان در نظریات اندیشمندان یک متغیر اصلی و چند متغیر وابسته را شناسایی کرد.

ابن خلدون، جامعه را موضوع یک علم مستقل قرار داده و «عصبیت» را محور تبیین حرکت‌های تاریخ و راز صعود و سقوط تمدن‌ها معرفی کرده است. او عصبیت را به‌عنوان علت فاعلی عمران یا تشکیل جامعه بشری مطرح می‌کند که سبب ظهور جوامع و دولت می‌شود (ابن خلدون، ۱۳۹۵: ۴۵)

آرنولد توین‌بی، انسان را موجد تمدن می‌داند. به اعتقاد او علت اصلی بروز و خلق تمدن، واکنش انسان به مشکلات زندگی برای برآوردن نیازها و رفع محدودیت‌هایی است که در زندگی با آن روبه‌روست. توین‌بی رشد و بالندگی یک جامعه را به «اقلیت خلاق» آن نسبت می‌دهد. این عده خلاق با نوآوری‌هایشان جامعه را به سمت رشد سوق می‌دهند. اگر در کارایی اقلیت خلاق خللی وارد شود و آن‌ها نتوانند به وظایف شان درست عمل کنند جامعه به سراشیبی سقوط می‌افتد. (توین بی، ۱۳۷۶:

(۲۱)

ویل دورانت در باب سیر تاریخی تمدن‌ها بر این باور بود که هر تمدنی از ارزش‌هایی آغاز می‌شود؛ ارزش‌هایی هدفمند و متعالی که پس از مدتی، زمینه ظهور دانش و فنون را پدیدار می‌سازند. در مرحله بعد اصل همکاری و تعاون در جامعه می‌بایست نهادینه شود تا گروهی هم‌نظر، بر اساس آن و با تکیه بر اخلاقیات بتوانند شالوده تمدن را پی‌ریزی کنند. با رشد دانش، مردم به‌جای توحید و پرستش مبادی معنوی، به ستایش علوم و عقل می‌پردازند و از این هنگام جنگ میان ارزش و دانش آغاز می‌شود و در نتیجه، موجب افول انگیزه‌های اولیه که انگیزه‌های ارزشی است، خواهد شد؛ بنابراین، نیروی محرک جوامع کند شده، به تدریج متوقف می‌گردد. از دیدگاه ویل دورانت جنگ میان علم و دین یا دانش و ارزش موجب فرسایش تدریجی تمدن‌ها می‌شود. (دورانت، ۱۳۵۸: ۱۹)

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بحث تمدن، علل و اسباب مختلفی بیان داشته و در تحلیل تاریخی خود، اسباب متفاوت و متکثر دخیل در تمدن اسلامی را برشمرده‌اند که می‌توان به‌نظام ارزشی، استقلال،

آزادی، وحدت، دین‌مداری، حکومت، قانون‌گرایی، امت‌سازی، عدالت‌پروری، دانش‌گستری، شهرنشینی اشاره کرد. (بی‌نام، ۱۳۹۱: ۲۵۰۷۱)

یکی از مفاهیم اصلی تمدن‌ساز در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، دانش توأم با معنویت است.^۱ (خامنه‌ای، ۱۳۸۳: سخنرانی ۲۹ آذر) ایشان در بررسی ادوار مختلف تاریخ اسلام، نگاهی دانشی داشته و زوال و صعود تمدن‌ها را بر اساس ارج و قرب دادن به علم ارزیابی نموده و اوج تمدنی را مساوی با سرآمدی علمی دانسته‌اند و همچنین بارها به مسئله علم‌آموزی غربی‌ها از دانش مسلمین و مصادره علوم جهان اسلام توسط اروپایی‌ها اشاره کرده‌اند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: سخنرانی ۱۱ مرداد) در این جهان‌بینی علم از دل دین می‌جوشد و علم با دین تنافی ندارد. به عبارت دیگر معرفت زیرساخت تمدن اسلامی است و این نظام معرفتی نه تنها منافاتی با علم ندارد که خود باعث تولید علم و زمینه‌ساز زایش تمدنی است. (خامنه‌ای، ۱۳۷۶: سخنرانی ۱۴ بهمن) در این دیدگاه تمدن، زندگی توأم بانظم علمی عنوان شده است. (خامنه‌ای، ۱۳۸۳: سخنرانی ۲۹ آذر)

ایشان راهکار ایجاد تمدن نوین اسلامی را ایجاد نظام ارزشی و دانشی می‌دانند و از این‌رو بر مباحثی همچون «اسلامی‌سازی علوم انسانی» «تحول حوزه‌های علمیه» و ایفای نقش مادری توسط حوزه‌های علمیه تأکید داشته‌اند. (خامنه‌ای، ۱۳۸۹: سخنرانی ۲۷ آذر)

از این‌رو می‌توان بیان داشت ساخت تمدن نوین اسلامی بدون ایجاد نظام معرفتی از نظر ایشان مقدور نیست و حوزه‌های علمیه همان‌گونه که نقش تأسیسی برای انقلاب اسلامی داشتند، باید برای تداوم انقلاب اسلامی نیز برنامه‌ریزی کنند. به عبارت دیگر حوزه علمیه که علت موجد انقلاب است، خود علت مبقیه انقلاب هم است. (خامنه‌ای، ۱۳۷۹: سخنرانی ۱۴ مهر) از نظر امام خمینی (ره) و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، حوزه علمیه، محور و هسته مرکزی جمهوری اسلامی و وقوام حرکت دینی و اسلامی از منظر واقعی و آینده‌نگرانه است. (خامنه‌ای، ۱۳۸۶: سخنرانی ۱۱ اسفند)

تمدن نوین اسلامی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

تمدن‌گرایی اسلامی اگرچه در آرای اندیشمندان و عالمان بزرگ اسلامی در سده گذشته وجود داشته است اما در قالب یک گفتمان مستقل در کشورهای اسلامی و به‌ویژه در چند دهه اخیر مطرح شده است.

رویکرد تمدن‌گرایی تلاش میان شریعت و تحولات روز است، از این‌رو تمدن‌گرایان اسلامی معتقدند که نه تنها دین با مقولاتی چون نوگرایی و توسعه اجتماعی در تضاد و تقابل نیست بلکه تحول و پیشرفت علمی و فناوریانه را از لوازم و سازه‌های زندگی اجتماعی بشر می‌دانند. رویکرد تمدن‌گرا به دنبال تبیین و تأسیس الگوهای پیشرفت در چارچوب فرهنگ اسلامی و آموزه‌های وحیانی است؛ درحالی‌که روشنفکران مسلمان الگوهای توسعه‌را از مدل‌های مدرنیته اخذ و اقتباس کرده و تنها به سازگاری ظاهری آن‌ها با اصول شریعت اسلامی می‌اندیشند.

تمدن‌گرایان اسلامی به دنبال پاسخ‌گویی به چالش‌های عینی و گره‌های ناگشوده‌ای هستند که دیگران از حل و فصل آن بازمانده‌اند. (سبحانی، ۱۳۸۵: ۲۳) از منظر این گفتمان، تشکیل حکومت و دولت اسلامی، مقدمه‌ای برای تشکیل تمدن اسلامی است؛ از این‌رو در گفتمان تمدن اسلامی، حوزه‌های علمیه به عنوان نهاد تولیدکننده علم و دانش، نقشی محوری و جایگاهی برجسته می‌یابد.

مهم‌ترین نشانه‌هایی که این گفتمان آن‌ها را در منظومه گفتمانی خود مفصل‌بندی کرده است، عبارت‌اند از: تمدن اسلامی، حکومت اسلامی، عقلانیت، مصلحت، فلسفه، نصوص و سنت اسلامی، جاهلیت و مبارزه با نظام سلطه. به این ترتیب با مفصل‌بندی هم‌زمان عقلانیت و فلسفه از یک‌سو و سنت و نصوص اسلامی از سوی دیگر، نظام معنایی این گفتمان، تلفیقی از نشانه‌های اصلی موجود در دو گفتمان شریعت‌گرا و تجددگراست. تمدن‌گرایی اسلامی غرب و آموزه‌های مدرنیته را برای ایجاد تمدن اسلامی نامناسب می‌دانند؛ زیرا آنان را به عنوان جاهلیتی جدید، عامل اصلی کنار نهادن دین از حوزه‌های عمومی و عامل ایجاد خلأ معنویت و فضیلت در جامعه می‌دانند. با وجود این و برخلاف شریعت‌گرایان، قائل به نفی تمامی دانش‌های غربی نیستند. (روحی، ۱۳۹۲: ۳۶)

از منظر تمدن‌گرایان، مشکلات پیش روی جهان اسلام متأثر از خوی استکباری نظام سلطه و عقب‌ماندگی مسلمانان در تولید علم است؛ از این‌رو با استفاده از تجارب دو گفتمان تجددگرا و شریعت‌گرا، تمدن‌گرایان معتقدند که برای حل مشکلات جهان اسلام باید یک تمدن نوین اسلامی «را شکل داد و در این مسیر، عقلانیت نوگرایی و سنت اصل‌گرایی را توأمان به کار گرفت. در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی، این گفتمان دو راهبرد مقابله با نظام سلطه و نهضت نرم‌افزاری اسلامی سازی علم را در دستور کار خود قرار داده است. این گفتمان، ضمن تأکید بر مبنا قرار گرفتن نصوص و سنت اسلامی، اجتهاد را یگانه راه دستیابی به معارف صحیح اسلامی می‌داند و در حوزه عمل روش‌های عقلانی و

تجربی را در شناخت مناسبات عینی و مهندسی اجتماعی معتبر و ضروری دانش‌های می‌شمارد. تمدن گرایان اصرار می‌ورزند که «منظور آنان از علم لزوماً سکولار سازنده تمدن جدید نیست؛ چنانکه غرب جدید برای تحقق ارزش‌های این جهانی و دین‌گريزانه خویش به تولید دانش سکولار دست یازید، پایه‌گذاری تمدن اسلامی نیز نیازمند ابزارهای علمی و کارشناسی متناسب با نظام ارزشی و شاخص‌های اسلامی است.

این نکته همان چیزی است که تمدن‌گرایان اخیراً "جهت‌داری علوم" می‌نامند و با طرح ایده نظریه‌پردازی دینی «یا» اسلامی سازی علوم «درصد تولید علوم انسانی اسلامی برآمده‌اند (سبحانی، ۱۳۸۵: ۲۲۴)

تمدن برآیند حرکت تکاملی و اندوخته‌های مادی و معنوی بشر است. انسان ممکن است نیازهای مادی تمدن را با تلاش‌های تجربی و عقلی تأمین کند؛ اما رفع نیازهای معنوی که زیربنای زندگی و اساسی‌ترین بعد تمدن انسانی است، هرگز در توان محدود بشر نیست. بلکه در قلمرو انتظارات بشر از دین قرار می‌گیرد. پس تمدن خاستگاه الهی-بشری دارد. همان‌گونه که اندیشه خلاق انسان عامل شکوفایی تمدن است، نقش آموزه‌های دین در پدیداری و اعتلای تمدن، به مراتب تعیین‌کننده‌تر می‌نماید. اگر تمدن شامل باورها، قوانین، سازمان‌های اجتماعی، اخلاق، فلسفه، فن، ادبیات، فرهنگ و شیوه تعامل انسان با محیط پیرامون او باشد، دین در همه این امور نقش بسیار اساسی دارد. تحقیقات تاریخی و مردم‌شناسی نشان می‌دهد که مراکز مربوط به آئین‌ها و شعایر، هسته اصلی شهرهای اولیه بوده‌اند که بیانگر نقش مستقیم دین در تقویت هویت جمعی است. (الیاده، میرچاه، ۱۳۷۵: ۳۷۱)

یعنی تمدن با هر سرزمین و نژادی سازگار و قابل دوام است، اما در سرزمینی که ارکان مادی و معنوی تمدن هماهنگ باشد، توسعه و دوام تمدن آسان‌تر خواهد بود. جامعه‌ای که خواهان تمدن و اعتلای آن است، بایستی در وهله اول، به استقرار یک نظام ارزشی بیانگر معیارهای خوبی و بدی، نائل گردد. (قطب، ۱۳۶۹: ۱۲۳)

تمدن غربی به علت پیشرفت علمی و به تبع آن فراهم آوردن قدرت و ثروت توانسته است بر جهان سلطه یابد. با این حال، این تمدن به علت خلأ معنویت و فضیلت دچار جاهلیتی مدرن شده و در حال فروپاشی قریب‌الوقوع است؛ در منظر ایشان، نه تنها منافاتی بین علم‌گرایی و دین‌گرایی وجود ندارد بلکه روح دینی، کمک و پشتیبان روح علمی است.

جریان فکری تمدن گرا معتقد است انقلاب اسلامی از ابتدا به‌عنوان هدف غایی مدنظر انقلابیون مکتبی نبوده است، بلکه نظام اسلامی مقدمه تمدن اسلامی تلقی می‌شود. لازمه حرکت در مسیر رسیدن به تمدن اسلامی حفظ آرمان‌گرایی انقلابی است.

تمدن‌گرایان به این نکته قائل‌اند که بروز انقلاب اسلامی و تغییر نظام سیاسی، نخستین گام در شکل‌دهی تمدن اسلامی بوده است. این مرحله، مبتنی بر اصول، مبانی و اهداف انقلاب اسلامی شکل گرفتند؛ اما گام بعدی، انقلاب فرهنگی و تولید علوم و نرم‌افزارهای تمدنی متناسب با تغییر تمایلات اجتماعی است. اگر انقلاب اسلامی نتواند متناسب با اهداف و شعارهای سیاسی خود، اندیشه‌ها، پایه‌های فرهنگی و نرم‌افزارهای خود را تولید و بازسازی کند، هیچ‌گاه نمی‌تواند به تحقق تمدن اسلامی در عرصه جهانی امیدوار باشد (جمالی، ۱۳۹۰: ۱۷)

از این منظر، هدف نهضت نرم‌افزاری، بازسازی تمدن اسلامی است و معتقدند سرنوشت حتمی عبارت است از اینکه تمدن اسلامی یک‌بار دیگر پرتوی خود را بر مجموعه عظیمی از دنیا بگستراند. خطی که نظام اسلامی ترسیم می‌کند خط رسیدن به تمدن اسلامی است. انقلاب اسلامی با شعار تحقق تمدن اسلامی در مقطعی از تاریخ شکل گرفت که در مقابل خود تمدنی جدید را می‌دید؛ تمدنی که با تکیه بر مبانی، اصول و اهداف خود در پی هماهنگی همه عرصه‌های حیات بشری است.

تمدن اسلامی از نظر آیت‌الله خامنه‌ای یک فرایند ۵ مرحله‌ای و رو به رشد است. ایشان در این باره می‌فرمایند:

یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله بعد تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است. ما امروز در مرحله دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۶: سخنرانی ۶ آبان)

با بررسی سخنان و بیانات متعدد حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، می‌توان بیان داشت که تمدن اسلامی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، دارای اصول ذیل است:

۱- فرایند جامعه رو به تکامل است و یک تمدن پویا به سمت تعالی حرکت می‌کند. (خامنه

ای، ۱۳۸۳: ۲۵ شهریور)

۲- حق بر باطل پیروز خواهد شد و وعده خداوند مبنی بر حکومت مستضعفین محقق

خواهد شد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: سخنرانی ۱۷ فروردین)

- ۳- تمدن نوین اسلامی ساختنی است، به عبارت دیگر تمدن نوین اسلامی هم اثباتا و ثبوتا قابل ایجاد است؛ ساخت تمدن علاوه بر باور به امکان تحقق آن نیازمند همت و اراده و تلاش و مجاهدت است. در این رقابت تمدنی، حاشیه‌نشینی و گوشه‌گیری نه تنها باعث مصونیت نشده که انزوا را به همراه خواهد آورد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: سخنرانی ۱۹ مهر)
- ۴- تمدن اسلامی حاصل یک فرایند مدرج و مرحله‌بندی شده است که هر مرحله الزاماتی دارد که باید محقق شود و بدیهی است که بدون تحقق مرحله قبل، مرحله تکمیلی بعدی امکان‌پذیر نخواهد بود. (خامنه‌ای، ۱۳۸۰: سخنرانی ۲۱ آذر)
- ۵- بازگشت مسلمان به اصول اصیل اسلامی، بازگشت به قرآن و سنت و پرهیز از خرافات (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: سخنرانی ۲۶ شهریور)
- ۶- رسیدن به تمدن اسلامی مستلزم شناخت تمدن رقیب و عناصر تشکیل‌دهنده آن است. در شناخت عناصر تمدن رقیب باید دستاوردهای مثبت و تحولات و اختراعات و ابتکارات را اخذ کرده و از آنان بیاموزیم و از سوی دیگر عناصری را که منبعث از نگرش فلسفی همچون اومانیزم و سکولاریسم و پراگماتیسم و ... است، شناخته و آنان را طرد کرد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: سخنرانی ۸ دی)
- ۷- در کنار شناخت تمدن غرب باید توجه داشت که این تمدن در کنار گزاره‌های علمی و معرفتی و رسیدن به نتایج عینی اقتصادی و اجتماعی، دارای بعدی ایدئولوژیک است که رسیدن به منافع اقتصادی را با هر روشی از جمله تسلط غیر مشروع انسان بر انسان‌های دیگر و همچنین تسلط بی‌حدومرز انسان بر طبیعت را توجیه می‌کند و از همین مسیر بوده است که غرب با دست‌اندازی به منافع کشورهای آسیایی و آفریقایی و ... آنان را مستعمره خود کرد که این مرحله شامل تسلط عینی و فیزیکی بر سرزمین مستعمره بوده است. این درون‌مایه غیراخلاقی در تمدن غرب مایه زوال آن‌ها شده است که در تمدن اسلامی، اخلاق جایگزین اعمال خلاف حقوق انسان‌ها و عدالت جای ظلم را خواهد گرفت. (خامنه‌ای، ۱۳۸۷: ۵ شهریور)
- ۸- غرب‌شناسی یکی از اقتضانات مهم فهم تمدنی از اسلام است و اینکه چگونه غرب از مرحله استعمار کهن به استعمار نو و سپس استعمار فرانو رسیده است، کمک می‌کند تا

- اسلام‌پژوه به اقتضانات مطالعات خویش توجه داشته باشد و از سوی دیگر مرعوب نظریه‌های غربی که در کانتکس مفهومی لیبرالی یا سوسیالیستی زاده شده است، گرفتار نشود. (خامنه‌ای، ۱۳۸۳: ۲۲ خرداد)
- ۹- امید و نشاط و نگاه روشن به آینده، اتکا با نیروهای داخلی، ایمان به شعار "ما می‌توانیم" و پرهیز از ناامیدی و نیفتادن در دام جنگ روانی رسانه‌ای دشمن، از لوازم حرکت در مسیر تمدنی است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: بیانیه گام دوم انقلاب)
- ۱۰- پرهیز از تحجر، جمود، نگاه التقاطی و تکیه بر منابع اصیل اسلامی و فهم اجتهادی دین از اقتضانات جنبشی نرم‌افزاری در تولید نظریات سازنده تمدن اسلامی است. (خامنه‌ای، ۱۳۸۹: سخنرانی ۲۹ مهر)
- ۱۱- اصلاح درونی حوزه و تحول در دانش‌های حوزوی و استفاده از تجارب روز و وحدت حوزه و روحانیت با دانشگاه‌ها از ضرورت‌های نظریه‌پردازی در دانش علوم انسانی اسلامی است (خامنه‌ای، ۱۳۸۶: سخنرانی ۸ آذر) که این مهم در سایه حمایت حکومت از جریان علمی کشور امکان‌پذیر است. (خامنه‌ای، ۱۳۸۷: ۱۴ اردیبهشت)

حوزه تمدن ساز

از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، نگاه امروز به سمت عالمان دینی و روشنفکران جهان اسلام است و حوزه‌های علمیه هستند که می‌توانند زیرساخت‌های تمدن اسلامی را ایجاد کنند. در این منظر حوزه علمیه، محط علمی زایش تمدن نوین اسلامی است و حوزه علمیه با تکیه بر منابع دینی و دلالت‌های عقل نظری و عقل علمی در راستای سعادت دنیوی و اخروی انسان تلاش می‌کند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: سخنرانی ۸ دی)

هرگونه سیاست فرهنگی در نظام اسلامی مبتنی بر مبانی فکری و ایدئولوژی نظام شکل می‌گیرد. در این بعد، حوزه باید به‌مثابه یک کارگاه ایدئولوژی برای نظام باشد که مبانی اسلامی را با توجه به مقتضیات نظام و کشور ارائه کند. حوزه‌های علمیه در تصویر تمدنی، مرکز ایدئولوگ‌هاست که مبانی اسلامی باید توسط حوزه‌های علمیه تدوین شود. (خامنه‌ای، ۱۳۶۸: ۷ آذر)

از این منظر، حوزه علمیه تمدن ساز حوزه‌ای با طرح تحولی مشخص و دقیق (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: سخنرانی ۱۱ مهر) دانش‌محور، کمال‌گرا، دارای طلابی معتقد و دانشمند و نظریه‌پرداز است، در

رویاریویی با مشکلات و نارسایی‌ها علاوه بر انتقاد و نصیح، راهکار جایگزین دارد، در نظریه‌پردازی کلان سیاسی، اجتماعی، فرهنگی فعال بوده و علاوه بر تسلط بر موضوعات روز، به اجرایی بودن نظریات خرد خود در سه ساحت فوق توجه دارد، در حوزه فلسفه‌های مضاف و دانش‌های بین‌رشته‌ای دارای نظریه‌پردازی هوشمند است، فقه حکومتی را مبتنی بر فقه جواهری مبتنی بر عناصر زمان و مکان و مصلحت تدوین کرده و در عرصه نیروی انسانی مدیرانی فقیه و آگاه به شرایط و بصیر تربیت می‌کند. حوزه علمیه مطلوب با جهان تعامل داشته و از روابط عالمانه با قطب‌های علمی جهان استقبال کرده و از سوی دیگر بزرگ‌ترین مرکز تولید آگاهی نسبت به نارسائی‌های نظام‌های سلطه‌گر لیبرالی و سوسیالیستی است (خامنه‌ای، ۱۳۸۹: سخنرانی ۲۹ مهر) حوزه علمیه تمدنی در صحنه‌های متعدد فلسفی و فقهی و کلامی در دنیا نه غائب و نه منفعل است بلکه با فکر نو و پاسخ به نیازهای نوبه نو فعال است. (خامنه‌ای، ۱۳۸۹: سخنرانی ۲۹ مهر)

سنت اجتهاد و چارچوب فهم دین در آن ارجمند است و در پناه آن نظریه‌پردازی و آزاداندیشی ترویج می‌شود. در این منظر تمدنی، اجتهاد با همان شیوه درست و صحیح خود که تکیه به کتاب و سنت است و با آن متد معقول صحیح منطقی حساب شده پخته انجام بگیرد، بسیار خوب است. اجتهادها ولو نتایج مختلفی هم داشته باشد، موجب بالندگی است، موجب پیشرفت است (خامنه‌ای، ۱۳۸۹: سخنرانی ۲۹ مهر)

منطق برداشت از متون دینی به معنای اصول‌گرایی در کتاب و سنت و وفاداری به ارزش‌های اصیل و مبارزه با خرافات و انحرافات و احیاء شریعت و نفی غرب‌زدگی در حوزه علمیه تمدن ساز نهادینه شده و تعصب و تحجر و خشونت میان ادیان یا مذاهب اسلامی و مخالفت با نوگرایی و عقلانیت - که ارکان تفکر و تمدن اسلامی اند در آنجایی ندارد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۴ بهمن)

حوزه علمیه تمدن ساز در حوزه نظریه‌پردازی در شاخه‌های گوناگون علوم انسانی فعال بوده و در حوزه مبانی، مسائل و موضوعات علوم گوناگون انسانی با رهیافت جهان‌بینی توحیدی، نظریه دقیق را با ابتنا بر منابع اصیل، استخراج و ترویج می‌کند. (خامنه‌ای، ۱۳۸۹: سخنرانی ۲۹ مهر)

حوزه علمیه تمدن ساز زمان‌شناس است و با بصیرت، آخرین رویدادهای اجتماعی را رصد می‌کند و پاسخ گوی نیازهای معنوی بشریت است و در راه احیای توحید و اقامه شعائر دینی حرکت می‌کند.

حوزه علمیه تمدن ساز مجهز به قطب‌های مسئله یاب، رصدگر و آینده‌پژوه و راهبردی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۱۱ مهر) که او را در پیشرو بودن و هماهنگی احوال مقلدین با نصوص و اوامر و نواهی شرعی یاری می‌کند و فقه را به صورت حداکثری در جامعه پیاده می‌سازد.

ارتباط دوسویه او با سازمان‌ها و مراکز اجرایی و علمی به شکل وسیعی است که او را در رسیدن به حقایق اجتماعی و از سوی دیگر ارائه بهترین نظریه یاری می‌کند.

حوزه علمیه تمدن ساز آگاهی کافی نسبت به نظام‌های معرفتی رقیب دارد و نسبت به آسیب‌ها و آلامی که نظریه‌های معرفتی منهای خدا برای انسان تحمیل کرده است، آگاه بوده و برای زدودن جهان‌بینی مادی و اخلاق سکولاریستی تلاش‌گر است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: سخنرانی ۹ اردیبهشت)

حوزه علمیه تمدنی با آرایش فعال در حوزه نظریه‌پردازی، درک نادرست از جایگاه حوزه علمیه در فرایند تدوین سیاست‌های کلان را که معلول فهم نادرست و سطحی از دین و تقلیل آن به سطح فردی و ساحت اخلاقی است، رد کرده و با صورت‌بندی و مشخص کردن مسئله، پاسخ‌های روشن و دقیق و نه کلی و مبهم ارائه خواهد داد. (مولایی آرانی، ۱۳۹۶: ۵۲)

حوزه علمیه انقلابی تمدنی متوجه کید و نیرنگ استعمار است و بر اساس سیره سلف علمای گذشته همواره مراقبت می‌کند تا استعمار و ایادی آنان در قالب‌های مختلف، نفوذ نکرده و امیال لیبرالی خود را در جامعه توجیحات دینی به مرده حقنه کنند. (امام خمینی، ۱۳۶۷: سخنرانی ۳ اسفند) از این منظر، عالم حوزه تمدن ساز میان دوست و دشمن تفاوت قائل شده و در تبیین علمی ارزش‌های اسلامی همچون "وحدت" "مصلحت امت اسلام" "استقلال" کوشا است و تکفیر و افراط را طرد می‌کند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: سخنرانی ۱۱ مرداد) بر اصول خود پافشاری می‌کند و مرعوب نسخه‌های غربی نخواهد شد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۶ شهریور)

عالم حوزه تمدن ساز به ظرفیت‌های داخلی جهان اسلام توجه داشته و با خودباوری و اعتقاد به اینکه تمدن نوین اسلامی محقق خواهد شد، در این مسیر حرکت می‌کند و نخبگان و اندیشمندان جوان را در حوزه تولید علم تشویق و تحریص می‌کند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: سخنرانی ۸ دی)

حوزه علمیه مطلوب، آرمان‌گرا بوده و علاوه بر اینکه بر حداقل‌ها اکتفا نکرده، روزبه‌روز به پالایش داخلی خود پرداخته و تحول را به‌عنوان محوری اساسی در درون خود پرورش داده و نقد درونی را راهکار اصلاح امور درون حوزوی می‌داند. (خامنه‌ای، ۱۳۷۳: ۲۰ شهریور)

از نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، روال موجود حوزه علمیه برای پاسخ به نیازهای فعلی نیز کافی نیست و برای ایفای نقش واقعی حوزه‌های علمیه نیازمند تحول عمیق هستیم تا حوزه بتواند خلأهای تمدنی را پر کند تا بتواند در حوزه نظریه‌پردازی و جنبش نرم‌افزاری نقش ایفاء کند. (خامنه‌ای، ۱۳۶۸: سخنرانی ۱ بهمن)

نتیجه

اینکه تمدن نوین اسلامی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای چگونه است و معرفت و علم و دانش چه جایگاهی در آن دارد، در این مقاله بررسی شده است. این پژوهش مفهوم دانش توأم با معنویت را هسته اصلی اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای توصیف کرده و مبتنی بر این مهم، حوزه علمیه را به‌عنوان خاستگاه تولید معرفت، برای نقش‌آفرینی تمدنی مستلزم تحول درونی خویش می‌داند. در این مقاله ارتباط و تعامل معرفت با ساخت تمدن را استخراج کرده‌ایم و آن را زیربنای ساخت تمدن معرفی کرده‌ایم، سپس با بررسی چیستی و چگونگی تمدن نوین اسلامی در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و استخراج مؤلفه‌های اصلی آن، نقش علم و معرفت را در آن مشخص کرده‌ایم و سپس پیوست‌های کارکردی حوزه‌های علمیه بر اساس شاخصه‌های تمدنی از بیانات مختلف حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در طول دو دهه استخراج و جمع‌بندی شده است. بر این اساس حوزه علمیه محط اصلی تمدن‌سازی است که البته برای ایفای این نقش بزرگ نیازمند تحول درونی است. حوزه تمدنی باید در حوزه دانش، تعاملات ملی و بین‌المللی گام‌های اساسی برداشته و در حوزه "تولید علم" "اسلامی سازی علوم انسانی" و "جنبش نرم‌افزاری" گام بردارد.

کتابنامه

- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۵۹). مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اکبری، مرتضی و فریدون رضایی (۱۳۹۳). "واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری"، دو فصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی، شماره ۵، ص ۸۵-۱۰۸.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۷). سخنرانی ۳ اسفند.
- امین، احمد (۱۴۲۵). *ضحی الاسلام*، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۲۵ ق
- آشوری، داریوش (۱۳۸۱). *تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ*، تهران، انتشارات آگه.
- بی‌نام (۱۳۹۱). "بیداری و احیای تمدن اسلامی با تأکید بر اندیشه سیاسی رهبر معظم انقلاب اسلامی"، قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/others-article?id=25071>
- توین بی، آرتولد (۱۳۷۶). *خلاصه دوره دوازده‌جلدی بررسی تاریخ تمدن*، ترجمه محمدحسین آریا، تهران، امیرکبیر.
- جمالی، مصطفی (۱۳۹۰). "هویت علوم انسانی اسلامی؛ از دیدگاه روش‌شناختی"، *مجله عیار پژوهش در علوم انسانی*، شماره ۵، بهار و تابستان، ص ۵-۳۰.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۸). سخنرانی ۷ آذر.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۳). سخنرانی ۲۰ شهریور.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۶). سخنرانی ۴ بهمن.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۹). سخنرانی ۱۴ مهر.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۳). سخنرانی ۲۲ خرداد.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۳). سخنرانی ۲۵ شهریور.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۳). سخنرانی ۲۶ آذر.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۳). سخنرانی ۶ آبان.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۶). سخنرانی ۱۱ اسفند.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۶). سخنرانی ۸ آذر.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۷). سخنرانی ۵ شهریور.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۷). سخنرانی ۱۴ اردیبهشت.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۹). سخنرانی ۲۷ آذر.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰). سخنرانی ۱۴ بهمن.

- خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۰). سخنرانی ۲۶ شهریور.
- خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۱). سخنرانی ۱۹ مهر.
- خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۳). سخنرانی ۹ اردیبهشت.
- خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۴). سخنرانی ۸ دی.
- خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۵). سخنرانی ۱۱ مرداد.
- خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۵). سخنرانی ۱۱ مهر.
- خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم. ۲ بهمن.
- خامنه ای، سیدعلی (۱۳۸۰). سخنرانی ۲۱ آذر.
- خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۲). سخنرانی ۱۷ فروردین.
- دورانت، ویل و دورانت آری (۱۳۵۸). *درس‌های تاریخ*، ترجمه احمد بطحایی، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۸.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۴). "تمدن نوین اسلامی: بنیادها و چشم‌اندازها"، *مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی*، تهران، دانشگاه شاهد.
- رحمت‌آبادی، الهام (۱۳۸۵). "سبک زندگی و هویت جوانان"، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، شماره ۲۰، ص ۲۳۵-۲۵۵.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۹). *زمینه فرهنگ شناسی*، تهران، انتشارات عطار.
- روحی، نبی‌الله (۱۳۹۲). "چشم انداز گفتمان تمدن‌گرایی اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری"، *فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج*، شماره ۶۱، ص ۵-۳۱.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۰). *درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی*، تهران، کیهان، ج ۱.
- سبحانی، محمدتقی (۱۳۸۵). "درآمدی بر جریان‌شناسی اندیشه اجتماعی دینی در ایران معاصر"، *فصلنامه نقد و نظر*، شماره ۴۴-۴۳، زمستان، ص ۲۷۹-۳۱۱.
- شورای عالی حوزه (۱۳۹۱). *سند چشم‌انداز حوزه‌های علمیه*، مصوبه شماره ۸۶۶ جلسه شماره ۳۱، ۱۷ آذر.
- قطب، محمد (۱۳۶۹). *آینده در قلمرو اسلام*، ترجمه سید علی خامنه‌ای، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- کرمی قهی، محمدتقی و دیگران (۱۳۸۶). *جستاری نظری در باب تمدن*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- مولایی آرنانی، مهدی (۱۳۹۶). "چالش‌های کنشگری حوزه علمیه در تدوین سیاست‌های فرهنگی"، *دو فصلنامه علمی پژوهشی دین و سیاست فرهنگی*، شماره ۸، بهار و تابستان، ص ۸۹-۱۱۹.

الیاده، میرچا(۱۳۷۵). دین‌پژوهی، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، پژوهشگاه علوم اسلامی و مطالعات فرهنگی، ج ۱.